

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال یازدهم، شماره سی و سوم، زمستان ۱۳۹۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۲۷

تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۸/۲۳

صفحات: ۱۰۱-۱۱۹

تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر روند فعالیت گروه‌های جهادی در فلسطین؛ مطالعه موردی بررسی تطبیقی تأثیر گفتمان‌های دولت‌های اصلاحات و اصولگرا

دکتر اصغر منتظرالقائم

دانشیار عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

سعید قربانی*

دانشجوی دکترای مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد

محمدمسعود آقایی

دانشجوی دکترای تاریخ دانشگاه اصفهان

چکیده

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ منشأ تحولات عظیمی در منطقه و جهان گردید، این رویداد تأثیرات زیادی در بیداری مسلمانان جهان و احیای باورهای دینی داشت. از جمله گروه‌هایی که به صورت مستقیم تحت تأثیر انقلاب اسلامی شکل گرفت، گروه‌های جهادی در فلسطین بود، یکی از دست آوردهای انقلاب در منطقه و جهان، صدور انقلاب اسلامی است که در آن، جمهوری اسلامی ایران در چارچوب اصل دعوت، صدور انقلاب را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده است و حتی صدور انقلاب به‌عنوان یک اصل و هدف در سیاست خارجی درآمده است بعد از پیروزی انقلاب اسلامی الگوهای مختلفی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حاکم شد که دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص صدور انقلاب داشتند، و با توجه به الگوهای صدور انقلاب، میزان و نوع حمایت از نهضت‌های اسلامی متفاوت بود، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی الگوهای مختلفی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حاکم شد که دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص صدور انقلاب داشتند، و با توجه به الگوهای

* نویسنده مسئول، ایمیل: shahadat10425@gmial.com

صدور انقلاب، میزان و نوع حمایت از نهضت‌های اسلامی متفاوت بود، گروه‌های جهادی فلسطین نیز یکی از این گروه‌های اسلامی است که در گفتمان‌های مختلف جمهوری اسلامی تحت تأثیر انقلاب اسلامی قرار گرفته است. در این مقاله نویسندگان در صدد هستند با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی روند صدور انقلاب اسلامی ایران در گفتمان‌های مردم‌سالار دینی و عدالت محور را مورد بررسی قرار داده و میزان و نوع تأثیرپذیری گروه‌های اسلامی در این گفتمان‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

کلید واژگان

صدور انقلاب، انقلاب اسلامی، گفتمان، فلسطین، گروه‌های جهادی.

مقدمه

پدیده صدور انقلاب یکی از پیامدهای هر انقلاب بزرگ تاریخ معاصر بوده است و در انقلاب اسلامی ایران نیز نمود آشکاری یافته است. از آن جا که انقلاب اولین بار از ذهن بشر تراوش می‌کند، می‌توان صدور انقلاب را در مرحله نخست یک ایده یا فکر نامید که به مردم دیگر جوامع بشری عرضه می‌شود. اما انقلاب در ذهن محدود نمی‌شود بلکه برای رسیدن به اهداف خود ناگزیر از ظهور در صحنه اجتماع و تغییر و تحول وضع موجود است و این مهم‌ترین وظیفه‌ی یک فرد انقلابی است که در این مرحله از چه شیوه و ابزاری برای دستیابی سریع‌تر و کم هزینه‌تر به اهداف و آرمان‌های انقلاب استفاده کند (نوزانی، ۱۳۸۸: ۴۶۰).

هر نظام انقلابی در بطن خود دارای یک سلسله آرمان‌ها و خواسته‌های عالی است که برخاسته از نظریات رهبری انقلاب و یا انگیزه‌های ذاتی انقلاب است. انقلاب اسلامی ایران نیز پس از پیروزی، به دنبال کسب خواسته‌های آرمانی خود بود و اصل صدور انقلاب را در راستای توسعه و گسترش اهداف انقلاب به خارج مرزها، در پیش گرفت، بدون اینکه توجهی به نظام حاکم بر روابط بین‌الملل داشته باشد. (خسروشاهی، ۱۳۹۲: ۵۱). فرآیندهای سیاست خارجی ایران همواره با نشانه‌هایی از تغییر و دگرگونی همراه بوده است، به طور کلی کشورهایایی که از پویایی‌های امنیتی برخوردارند، خواهند توانست گفتمان‌های سیاست خارجی خود را متحول سازند. از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون، بیش از سه

دهه گذشته است، در این دوران می‌توان نشانه‌هایی از تحول، تغییر و دگرگونی در قالب‌های گفتمانی سیاست خارجی ایران را ملاحظه نمود (متقی، ۱۳۸۵: ۳۲). در خصوص میزان تأثیرگذاری گفتمان‌های اصلاحات و اصولگرایی و بررسی تطبیقی آنها در مسأله فلسطین تاکنون کاری صورت نگرفته است. و با توجه به سیاستی که گفتمان‌های زیر در صدور انقلاب اسلامی در پیش گرفته‌اند بر جهت‌گیری آنها نیز در برابر گروه‌های جهادی تأثیر گذاشته است، اما پرسشی که این مقاله در صدد است که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به آن پاسخ دهد، این است که، الگوهای صدور انقلاب در گفتمان‌های مردم‌سالار دینی و عدالت محور به چه شکلی بوده؟ و چه تأثیری بر گروه جهاد اسلامی فلسطین داشته است؟

۱. مبانی نظری

مبانی نظری پژوهش، درباره ظهور جنبش‌های اسلامی بر اساس نظریهٔ هرایر دکمچیان استوار است، وی رستاخیز اسلامی را یک حرکت ادواری می‌داند که در طول تاریخ جوامع اسلامی، به‌ویژه در دورانی که یک بحران فراگیر جامعه را در بر می‌گرفته روی داده است. (غفاری، ۱۳۹۱: ۵۰). در تاریخ اسلام، وقوع رستاخیز و تجدید حیات بنیادگرایانه، بیشتر همراه با دوران‌های آشفتگی بزرگ بوده که در اثر آن موجودیت جامعهٔ اسلامی و یا وحدت و انسجام روحی آن در معرض تهدید و خطر قرار گرفته است (دکمچیان، ۱۳۶۶: ۱۷).

پس از درهم شکستن قدرت امپراتوری عثمانی، که عنوان اسلامی را اساس مشروعیت سیاسی خود ساخته بود، جوانان، روشنفکران، رهبران قبیله‌ای و قومی عرب نوید عصر جدیدی از حکومت متحد و مستقل عربی را دادند، اما این خوش‌بینی مدت زیادی به طول نینجامید و سلطهٔ قدرت‌های غربی بر سرزمین‌های عرب پس از جنگ اول، و آنگاه تقسیم امپراتوری عثمانی به کشورهای کوچک و بزرگ مختلف، یأس و ناامیدی را در میان اعراب حاکم کرد، این روند هنگامی به اوج خود رسید که دار و دستهٔ کوچکی از یهودیان ساکن فلسطین به کمک امپریالیسم غرب، توانستند سرزمین آباء و اجدادی فلسطینی‌ها را به تصرف درآورده و دولت اسرائیل را در ۱۹۴۷ به وجود آورد.

عبدالناصر و گسترش نهضت او به سایر نقاط جهان عرب از یک‌طرف و ظهور سوسیالیسم عربی تحت رهبری حزب بعث از طرف دیگر، بار دیگر این شور و اشتیاق را در میان جوانان عرب به وجود آورد

که می‌توان با توسل بدین حرکت فکری و سیاسی جدید، بر مشکلات موجود فائق آمده و با دست‌یازی به وحدت عربی و سوسیالیسم بعثی - ناصری، راه غلبه بر صهیونیسم و بر پایی نظام عادلانه‌ی اقتصادی - سیاسی عاری از استثمار و دیکتاتوری در جهان عرب را هموار ساخت، اما این شور و اشتیاق چندان دوام نیاورد، شکست ۱۹۶۷ اعراب از اسرائیل، و مرگ ناصر در ۱۹۷۰، زمینه‌ی زوال سریع‌تر تفکرات پان عربیستی و تلاشی جدید برای یک ایدئولوژی جانشین را فراهم کرد، در واقع، تا اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ سیر ایدئولوژیکی عرب دور کامل خود را طی کرده بود، متفکران و سیاستمداران عربی در عرض سه ربع قرن گذشته انواع ایدئولوژی‌های بومی و غربی را در نظام‌های سیاسی را آزمایش کرده و نتایج ناخوشایندی گرفته بودند (دکمجیان، ۱۳۶۶: ۴۶). شکاف روزافزون میان کشورهای عربی و گسترش مشاجرات میان آن‌ها بر سر مسائل ارضی و منافع گروهی و علاوه بر آن ایجاد فاصله‌ی طبقاتی عظیم میان اقشار جامعه بر اثر سیاست‌های اقتصادی دولت‌های عرب و نیز ادامه‌ی سیاست سرکوب و فشار و اعمال دیکتاتوری علیه آزادی خواهان، بار دیگر باعث سرخوردگی جوانان و روشنفکران عرب شد (دکمجیان، ۱۳۶۶: ۱۳).

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی (ره) به‌عنوان یک عالم و مرجع دینی، زمینه برای شکل‌گیری یک هویت مستحکم و رفع بحران هویتی گروه‌های مختلف فراهم شد و اسلام به‌عنوان مظهر مبارزه و هویت‌ساز، مورد توجه قرار گرفت، یکی از این گروه‌ها، جهاد اسلامی و دیگری مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) بودند، مبارزات فلسطین که تاکنون دو بعد سیاسی و نظامی داشت و توأم با اندیشه‌ی ناسیونالیستی بود، اکنون دارای بعد اعتقادی با وجهه اسلامی شده است و به گفته‌ی شهید دکتر فتحی شقاقی، دبیر کل سابق جهاد اسلامی فلسطین، پیروزی انقلاب اسلامی، اعتماد به ایدئولوژی و دین را به مسلمانان سراسر جهان بازگرداند و ثابت کرد که اسلام نیرویی شکست‌ناپذیر است و اسلام، نیروی قیام و جوشش را در مردم فلسطین زنده کرد. با حرکت مردمی انتفاضه در فلسطین حتی آنان که هنوز تحت تأثیر ناسیونالیسم عربی هستند به اسلام به چشم یک منبع انرژی و وسیله‌ی اتحاد میان همه‌ی اعراب برای نجات فلسطین می‌نگرند و برخی هم صادقانه به تجدیدنظر در اندیشه‌های خویش پرداخته‌اند. (خمینی، ۱۳۷۳: ۲۳۰). با آغاز دهه‌ی ۱۹۸۰ به طور کاملاً محسوسی، گرایش‌های اسلامی در فلسطین رو به رشد گذاشت، جنبش اسلامی فلسطین معتقد است که سازمان

آزادی‌بخش فلسطین، نیروی محرکه خود را برای مبارزه با صهیونیسم و آزادی تمام فلسطین از دست‌داده و سرخوردگی مردم و به‌ویژه قشر جوان فلسطینی از جنبش‌های ناسیونالیستی و چپ‌گرا، فشارهای غیرقابل‌تحمل از جانب رژیم اسرائیل و هم‌چنین عدم اطمینان آن‌ها به رژیم‌های عرب در حمایت از قضیه فلسطین، باعث گرایش شدید مردم فلسطین به سوی جنبش انقلابی-اسلامی در فلسطین شده است (کدیور، ۱۳۷۲: ۱۸). از این منظر، خیزش‌ها و جنبش‌های اسلامی در کشورهای مسلمان به‌سرعت جای نهضت‌های مارکسیستی، سوسیالیستی، ناسیونالیستی و لیبرالیستی را گرفت و به‌عنوان تنها راه نجات ملت‌ها از سلطه امپریالیزم، مقبولیت عمومی پیدا کرد. پان‌عربیسم، پان‌ترکیسم و پان‌ایرانیسم که امواج زیادی در جهان اسلام ایجاد کرده بود، با پیروزی انقلاب ایران بر پایه ارزش‌های اسلامی، رنگ باخت و در واقع به پایان راه خود رسیدند (محمدی، ۱۳۸۵: ۹۶). نتیجه مطالعاتی نشان می‌دهد که در نتیجه عدم کارایی ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی و سوسیالیستی، فلسطینی‌ها بیشترین اقبال را به احیاء و تقویت هویت اسلامی خود نشان داده و گروه‌های مقاوم نیز در مبارزه خود علیه دشمن اشغالگر موفقیت‌هایی را کسب کرده‌اند. از جمله آن‌ها می‌توان به دستاوردهای انتفاضه اول، انتفاضه مسجدالاقصی و مقاومت گروه‌های حماس و جهاد اسلامی در جنگ ۲۲ روزه و همچنین حمایت دنیای اسلام از آنها اشاره کرد (غفاری، ۱۳۹۱: ۴۷) و سپس جنگ ۵۰ روزه و مقاومت گروه‌های اسلامی فلسطین در برابر رژیم اسرائیل و حتی جنگ ۳۳ روزه لبنان را می‌توان دستاوردهای هویت اسلامی باز یافته توسط امت اسلامی دانست.

۲. تطبیق رویکردهای گفتمانی انقلاب اسلامی به فلسطین و گروه‌های جهادی

الف. معنا و مفهوم صدور انقلاب

صدور انقلاب عبارت است سعی انقلابیون برای تبدیل پیام‌ها و رسالت بالقوه انقلاب، به حالت بالفعل. یعنی، انقلابیون می‌خواهند روح کلی مضامین انقلاب را که در حال حاضر در کشورشان تجسم یافته است، به حرکت درآورند و پیام‌ها و اهداف خود را در دیگر کشورها علنی کنند (خلیلی و حمیدی، ۱۳۹۰: ۹۳).

امام خمینی (ره) در خصوص معنای صدور انقلاب می‌فرماید: «معنی صدور انقلاب ما این است که

همه ملت ها بیدار بشوند و همه دولت ها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودنی که هستند و از این که همه مخازن آنها دارد به باد می رود و خودشان به نحو فخر زندگی می کنند، نجات بدهند.» (خمینی، ۱۳۷۳، ج ۱۳: ۲۰۲) امام خمینی چند ماه پیش از رحلت خود با تاکید بر آثار گران بهای جنگ تحمیلی به ایران بر نکته تاکید کرد که «جنگ ما فتح فلسطین را به دنبال خواهد داشت» (خمینی، ۱۳۷۳، ج ۲۱: ۲۸۳)

انقلابیون، انقلاب را مانند موجودی زنده می دانند که آفریده شده و رشد یافته و سپس وارد محیط جدیدی شده است و با استفاده از منابع محیط های دیگر، حفظ بقا می نماید. انقلابیون معتقدند که محصور ماندن انقلاب، نه تنها مانع رشد انقلاب می شود، بلکه به علت کمبود منابع، دچار استتاله شده و فرومی ریزد. انقلابیون به امید بقای انقلاب، صدور انقلاب را در دستور کار خود قرار می دهند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲: ۲۶).

ب. صدور انقلاب در گفتمان اصلاحات

با انتخاب آقای خاتمی به ریاست جمهوری اسلامی ایران در خرداد ۱۳۷۶، دوره نوینی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی آغاز گردید، در این دوره که به علت طرح و برنامه های اصلاحی رئیس جمهور به دوران اصلاحات مشهور شد، سیاست خارجی ایران در عین تداوم، دستخوش تغییرات رفتاری شگرفی شد (مسعودی، ۱۳۸۹: ۷۷). دورانی آغاز شد که در پی آن بود تا با طرح شعار جامعه مدنی در داخل، زمینه تحقق الگویی از انقلاب را فراهم آورد و در سیاست خارجی هم با طرح تنش زدایی و گفت و گوی تمدن ها در پی ارائه چهره ای مثبت و مسالمت آمیز از ایران نزد جهانیان برآید. سیاست تنش زدایی خاتمی، ترس برخی همسایگان را از صدور انقلاب ایران کم کرد و تفاهم بیشتر جایگزین آن شد (یزدانی و خجسته، ۱۳۹۱: ۷۹).

الگو پردازی سوم از جمهوری اسلامی به عنوان دولت سرمشق به صورت ارائه یک نظام مردم سالار دینی تحقق می یابد، در این مدل حکومتی بیش از پیشرفت اقتصادی بر توسعه سیاسی - اجتماعی تأکید می شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۶۵).

در دوران اصلاحات (۱۳۷۶-۱۳۸۴) سیاست خارجی جمهوری اسلامی وارد مرحله نوینی شد که از نظر جهت گیری و تاکتیکی از دوره های قبل و بعد از آن متفاوت و متمایز است، تأمل و دقت در سخنان

و اظهارات تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و رفتارها و عملکرد خارجی ایران در این دوره مبین این واقعیت است که صدور انقلاب اسلامی، معنا و مفهوم نوینی دارد، معنا و مفهومی که حتی از دوره قبل نیز متفاوت است، صدور انقلاب در دوره اصلاحات به معنای تبیین عقاید و باورهای انقلابی به صورت توضیح و تشریح آرمان‌ها، آموزه‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی است به صورتی که جمهوری اسلامی بیش از آگاهی بخشی، رهایی بخشی، انقلاب مستمر و حتی ترویج و اشاعه ارزش‌های انقلاب اسلامی، درصدد تبیین و تشریح اصول مبانی و آرمان‌های آن برای سایر ملت‌ها و کشورهاست. در این معنا و مفهوم تبیینی از صدور انقلاب نیز بیشتر بر ماهیت و مبنای مردم‌سالارانه و آزادی‌خواهانه انقلاب اسلامی و جمهوریت نظام جمهوری اسلامی تأکید و تمرکز می‌شود. (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۹: ۱۵۳).

از دیدگاه گفتمان اصلاحات، صدور انقلاب ماهیتی نرم‌افزاری و بین‌الذهانی دارد نه سخت‌افزاری و فیزیکی، آرمان‌ها و اندیشه‌های انقلاب اسلامی که در قالب عدالت‌خواهی، آزادی‌طلبی، مردم‌سالاری، صلح‌طلبی و ... تجلی و نمود پیدا می‌کنند نیازی به صدور فیزیکی ندارند بلکه این ارزش‌ها اگر در چارچوب مردم‌سالاری دینی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی غایت و فضیلت یابند به طور طبیعی در عصر گفت‌وگوی تمدن‌ها آزادانه از سوی ملل دیگر مورد پذیرش قرار می‌گیرند (تاجیک و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۷۴).

رئیس‌جمهور وقت، الگوسازی از جمهوری اسلامی ایران را بهترین روش و الگوی صدور انقلاب معرفی می‌کند، چون به نظر وی منظور بنیان‌گذار جمهوری اسلامی از صدور انقلاب نیز، الگوسازی بوده است. از این رو تصریح می‌کند که:

«منظور امام این بود که ما این جا الگو بسازیم، یعنی انسان ببیند که در این جامعه، اقتصاد و علم و حرمت انسان‌ها خوب است و سیر جامعه به سمت رفع فاصله طبقاتی و ایجاد رفاه نسبی و بهبود اوضاع و احوال در همه مسائل است و این مهمترین راه صدور انقلاب بود» (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۹: ۱۵۷).

ویژگی‌های خرده‌گفتمان صدور انقلاب در دوران اصلاحات به شرح زیر است: نخست، صدور انقلاب در گفتمان عمل‌گرایی فرهنگی - سیاسی نه تنها منسوخ نشده بلکه باز تولید و باز تعریف شده

است. دوم، صدور انقلاب بر اساس تقاضاهای دیگران و عرضه جمهوری اسلامی تعریف می‌شود. سوم، انقلاب به صورت مسالمت‌آمیز و از طریق مفاهمه و گفت‌وگوی بین‌الذہانی بر مبنای عقلانیت ارتباطی، صادر می‌شود. چهارم، صدور انقلاب ماهیتی الگوسازانه و مدل‌پردازانه دارد و از سرشتی آزاد و داوطلبانه برخوردار است. پنجم، صدور انقلاب طبیعتی نرم‌افزاری دارد و نه سخت‌افزاری. ششم، صدور انقلاب به معنای ارائه یک الگوی مردم‌سالاری دینی با اصول سیاست خارجی مانند تنش‌زدایی، همزیستی مسالمت‌آمیز و احترام متقابل سازگاری دارد (تاجیک و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۷۴).

پ. صدور انقلاب در گفتمان اصول‌گرایی

پس از انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری، اصول‌گرایی عدالت‌محور بر سیاست خارجی حاکم گردید. در این دوران ایران در سیاست داخلی و خارجی خود درصدد احیاء ارزش‌ها و آرمان‌های صدر انقلاب برآمد، آن‌چه که گفتمان اصول‌گرایی را از مرحله سوم و چهارم سیاست خارجی، متمایز می‌کند، اولویت اهداف ایدئولوژیک و تغییر در نظم جهانی، در سلسله‌مراتب اهداف سیاست خارجی ایران است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲: ۲۹). با پیروزی آقای احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ و طرح شعارهایی مانند عدالت‌طلبی و تأکید بر ارزش‌های انقلاب از سوی ایشان، به نوعی بازگشت به گفتمان ارزش‌محور دهه اول انقلاب بود که با ناعادلانه خواندن مدیریت بین‌المللی، خواستار تغییر در ساختار مدیریت بین‌الملل و توجه بیشتر به ملت‌های محروم و مظلوم است (یزدانی و خجسته، ۱۳۹۱: ۸۱). گفتمان حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز با به قدرت رسیدن اصول‌گرایان، دستخوش تغییر و تحول شد؛ به گونه‌ای که گفتمان صلح‌گرایی مردم‌سالار جای خود را به گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور داد (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۸: ۱۴۰).

الگوی صدور انقلاب اسلامی در دوران اصول‌گرایی همچنان مسالمت‌آمیز باقی می‌ماند. فراتر از این، الگوی صدور انقلاب مانند دوران سازندگی و اصلاحات، ماهیتی الگوپردازانه و مدل‌سازانه دارد؛ به گونه‌ای که دولت اصول‌گرا تلاش می‌کند تا از طریق الگوسازی از جمهوری اسلامی و معرفی این الگو به جهانیان، به‌ویژه مسلمانان و مستضعفان، انقلاب اسلامی را صادر کند.

احمدی‌نژاد با صراحت در مورد این الگو بیان می‌دارد: «دو مسئولیت سنگین بر عهده ملت ایران است، مسئولیت اول، همانا ساختن ایران است. پیام مکتب و آرمان‌های یک انقلاب زمانی مورد استقبال

قرار می‌گیرد که با الگوهای عملی همراه باشد و از این رو، سوق دادن بشریت به سمت قلۀ کمال و حیات طیبه لازم است و باید الگویی از آن در جامعه اسلامی ایجاد کنیم و مأموریت دوم، معرفی انقلاب اسلامی به جهان بشریت است... باید این مکتب و الگو را تبیین و به ملت‌های تشنه دنیا معرفی کنیم.» صدور انقلاب اسلامی در دوران اصول‌گرایی، در چارچوب نظریه انقلاب مستقر، به صورت تبیین و ترویج افکار و اندیشه‌های انقلاب اسلامی از راه آگاهی بخشی و رهایی بخشی ملت‌های مسلمان و مستضعف جهان تعریف می‌شود. مفهوم صدور انقلاب به معنای ترویج گفتمان انقلاب اسلامی است که متضمن آگاهی بخشی و رهایی بخشی دیگران نیز است، گفتمانی که می‌تواند الهام‌بخش سایر ملت‌ها برای آزادی و رهایی از ساختارهای سلطه و سرکوب در سطوح داخلی و خارجی قرار گیرد. چون ملت‌های مسلمان و مستضعف از راه درک و شناخت دقیق و حقایق گفتمان انقلاب اسلامی به شرایط موجود داخلی، بین‌المللی و وضعیت مطلوب در این دو سطح، آگاهی می‌یابند. نتیجه عملی این خودآگاهی نیز تلاش برای عملی ساختن این گفتمان است که رهایی آنان را از ساختارهای سلطه و سرکوب مهیا می‌کند (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۹: ۱۹۰).

الگوی صدور انقلاب در دوران اصول‌گرایی در چارچوب نظریه ام‌القری اسلامی تعریف و تعیین می‌شود، این امر بدان معناست که الگوی صدور انقلاب در این دوره نیز بر پایه شیوه انقلاب مستقر، ماهیتی مسالمت‌آمیز، الگوپردازانه، فرهنگی و گفتمانی دارد. اما در این دوره، بر رهبری ام‌القرای در جهان اسلام و رسالت جهانی آن تأکید و تمرکز می‌شود، چون موقعیت و مرکزیت جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان ام‌القرای، گرچه مستلزم حفظ بقاء آن است، اما بقاء آن رسالت و مسئولیت فراملی آن نسبت به سایر مسلمانان و مستضعفان نیست. به عبارت دیگر، تثبیت و تحکیم انقلاب اسلامی در قالب جمهوری اسلامی ایران به معنای فراموشی و غفلت از رسالت جهانی و انسانی انقلاب اسلامی نیست. بلکه برعکس، تقویت جمهوری اسلامی، تکلیف و وظیفه آن در قبال سایر ملت‌ها و انسان‌ها را افزایش می‌دهد، از این رو، الگوی صدور انقلاب ماهیتی برون‌گرا می‌یابد که معطوف به محیط پیرامونی و بیرونی جمهوری اسلامی است.

به طور کلی، مهم‌ترین ارزشی که جمهوری اسلامی به‌عنوان یک دولت اسلامی واجد، حافظ و مروج آن است، عدالت است؛ عدالت در برگیرنده و متضمن سایر ارزش‌ها و فضائل انسانی و اجتماعی نیز

است. بنابراین، دولتی که به عنوان الگو در داخل باید ایجاد گردد و الهامبخش دیگران باشد، «حکومت عدل اسلامی» است.

حالا با مقدمه‌ای که در خصوص صدور انقلاب در گفتمان رئیس‌جمهور خاتمی و گفتمان محمود احمدی‌نژاد ذکر شد به تأثیراتی که گفتمان‌های فوق در فرآیند شکل‌گیری و تکامل گروه‌های اسلامی در فلسطین داشته‌اند پرداخته می‌شود.

ت. گروه‌های اسلامی فلسطینی و گفتمان اصلاحات

با روی کار آمدن دولت اصلاحات در دوم خرداد ۱۳۷۶ گفتمان نوینی در عرصه سیاست داخلی و خارجی شکل می‌گیرد که به باور و نظر نویسندگان مقاله «الگوی صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاست خارجی ایران»، حرکت دوم خرداد، مجموعه‌ای شالوده شکن و سامانه برانداز نبود، بلکه نوعی بازسازی بود که مصالح و تار و پود عمارت جدید خود را نه از برون، که از درون جست و جو کرد. این بازسازی را باید به مثابه تحولی در گفتمان تلقی کرد که در روابط خارجی مبلغ و مروج تنش‌زدایی، همزیستی مسالمت‌آمیز و گفت و گو با سایر کشورها است و در امور داخلی برای توسعه سیاسی و فرهنگی نسبت به محوریت بودن اقتصاد، اولویت قائل است (ازغندی، ۱۳۸۹: ۱۹۰).

در دوم خرداد ۱۳۷۶ سیدمحمد خاتمی با شعارهایی همچون اصلاحات و آزادی از سوی بیشتر مردم ایران به ریاست جمهوری برگزیده شد و در ادامه کار خود ایده‌هایی چون جامعه مدنی و گفت‌وگوی تمدن‌ها را مطرح کرد، اما در سطح رسمی، کلان و ظاهری، مواضع دولت ایران در مسائل مختلف از جمله فلسطین تغییر نکرد، باین‌حال، در سطح جناح‌ها، مطبوعات، مردم و نخبگان، بر روی بسیاری از هدف‌ها و مسائل، از جمله مسئله فلسطین مباحثه و مناقشه شد و بر این اساس، تنش‌های سختی بین جناح‌ها و حتی قوای رسمی نظام پیش آمده است (حشمت‌زاده، ۱۳۸۶: ۷۶).

به طور اساسی سیاست تنش‌زدایی سه عنصر کلیدی عزت، حکمت و مصلحت را در بر دارد. تنش‌زدایی در چارچوب عزت، حکمت و مصلحت به این معنی است که سیاست خارجی درصدد رفع سوءتفاهم‌های انباشته‌شده از گذشته و در تلاش جهت پایان دادن به هر نوع تنازع و کشمکش بین‌المللی است و برای تأمین امنیت خود به واقعیت‌های موجود بین‌الملل توجه دارد، یعنی به هنگام بودن سیاست خارجی، برخورد برنامه‌ریزی شده و به‌روز با نظام بین‌الملل و بازیگران آن را شامل می‌شود.

(جمالی‌پور، ۱۳۹۱: ۱۰۸). تنش‌زدایی در سیاست خارجی ایران در پی آن است تا با الهام از اصول همزیستی، همکاری و همیاری با جوامع دیگر و پذیرش کثرت‌گرایی سیاسی و اقتصادی بر مسائل و مشکلات فائق آید و با اتخاذ رویه‌ای واقع‌بینانه در جهت سازگاری و انطباق هدفمند و منافع مشترک گام بردارد (اشرافی، ۱۳۹۰: ۴۰۰). دکتر کمال خرازی، وزیر خارجه دوره اصلاحات، در جمع خبرنگاران داخلی و خارجی، اصول پایه سیاست خارجی ایران را تأکید بر تنش‌زدایی و ایجاد اعتماد و گفت و گو با سایر کشورها در جهت حل و فصل مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی دانست و مبنای همکاری بین‌المللی را در رجه اول تفاهم و درک بین‌المللی عنوان کرد (خرازی، ۱۳۷۷/۴/۳۱: ۷۰).

آقای خاتمی و تیم سیاست خارجی ایشان تلاش نمودند تا سطح جدیدی از کنش را بر اساس بهینه‌سازی ادراکات متقابل بین‌المللی ایجاد نمایند. بسیاری از تحلیل‌گران سیاست خارجی ایران بر این اعتقادند که الگوی رفتاری ایران را می‌توان تداوم تنش‌زدایی دانست. نقطه کانونی گفتمان تعامل سازنده، در قالب ابتکارات اعتماد ساز مورد توجه قرار می‌گیرد، اعتمادسازی در سیاست خارجی هدف اولیه چنین گفتمانی بوده است. در چارچوب گفتمان تعامل سازنده، سطح تعارض ایران با قدرت‌های بزرگ و هم‌چنین واحدهای منطقه‌ای به گونه محسوسی کاهش یافت (متقی و پوستین چی، ۱۳۹۰: ۲۶۲) به اعتقاد خاتمی سیاست تنش‌زدایی اصولاً یک سیاست تاکتیکی نیست، بلکه یک استراتژی است که ایران از روی نیاز تعقیب نمی‌کند، بلکه به خاطر عقلانیت است که نگران وضع خود و جهان است. بر این اساس سیاست تنش‌زدایی، دیدگاهی است واقع‌گرا که بافاصله گرفتن از اولویت‌های امنیتی و ایدئولوژیکی به سمت و سوی همگرایی و همکاری همه‌جانبه پیش‌رفته و در نتیجه، زمینه‌های بیشتری را برای گفت‌وگوی تمدن‌ها و همگرایی دو جانبه و یا چندجانبه میان کشورها و ملت‌ها فراهم می‌آورد (ازغندی، ۱۳۸۹: ۹۲). بدین سان تأثیری که گفتمان اصلاحات در فرآیند شکل‌گیری و تکامل گروه‌های اسلامی در فلسطین داشته به شرح ذیل است:

در چارچوب گفتمان حاکم، بر رویکرد حقوقی و بهره‌گیری از سازمان‌هایی چون کنفرانس اسلامی و تشکیل کمیسیون حقیقت‌یاب در خصوص مسائل فلسطین تأکید داشت. به این ترتیب تا حدی از اهمیت و محوریت مسأله فلسطین در سیاست خارجی ایران کاسته شد و در متن سیاست تنش‌زدایی دولت خاتمی، نوعی رویکرد انفعالی نسبت به قضیه فلسطین ایجاد گردید. در این اوضاع، دولت خاتمی که تا

حدی ممکن از حساسیت‌های مسئله فلسطین پرهیز نمود و تلویحاً آن را مسأله‌ای داخلی عنوان کرد. اما لحن آشتی‌جویانه دولت خاتمی هم تهدیدهای علیه ایران را چندان کاهش نداد. چرا که در درجه اول منافع اسرائیل و آمریکا ضدیت با ایران را اقتضا می‌کرد. در درجه دوم خط مشی کلان جمهوری اسلامی ایران، که مبتنی بر دفاع حق‌طلبانه از حقوق ملت فلسطین و آزادی سرزمین فلسطین بود، تغییر نیافته و این امر همچنان می‌توانست بهانه مورد تهدید بودن از جانب ایران را برای رژیم اسرائیل امکان‌پذیر سازد (فریدونی و شهیازی، ۱۳۹۱: ۱۱۵).

به طور مثال، آقای خاتمی در مصاحبه با نیویورک تایمز در ۹ نوامبر سال ۲۰۰۱ در پاسخ به این سؤال که اگر مردم فلسطین، حق اسرائیل را برای بقا بپذیرند، آیا دولت ایران این را می‌پذیرد؟ بیان داشت: «اگر فلسطینی‌ها این مسأله را بپذیرند، در حالی که از منظر اخلاقی، ما معتقدیم که دولتی که بر ستم و ظلم استوار شده یک دولت پذیرفتنی نیست، لیکن ما به تمایلات مردم فلسطین احترام خواهیم گذاشت» (لطفیان، ۱۳۸۶: ۲۸۶).

در گفتمان فرهنگ محور، مسأله اساسی و کلیدی، گسترش تفاهم و صلح در میان ملت‌ها است و در خصوص مسأله فلسطین، نیز چنین دیدگاهی بر گفتمان فرهنگ محور حاکم است، ولی اسرائیل با اقداماتی که در این دوره از خودش بروز داد، نشان داد که به دنبال هدفی غیر از این مسأله است و در نتیجه میزان واکنش دولت خاتمی در مورد اسرائیل تغییر پیدا کرد.

سید محمد خاتمی در دیدار با فاروق الشرع وزیر خارجه سوریه، درباره توافق وای ریور گفت: «ما معتقدیم آن چه به‌عنوان توافق اخیر مطرح شده است منطقه را به صلح نزدیکتر نکرد و به زیان مردم فلسطین تصمیم‌گیری شد. ما نمی‌گذاریم که حقوق فلسطینی‌ها پایمال شود.» خاتمی در پیام مهمی به مناسبت پنجاهمین سال اشغال فلسطین، رژیم اسرائیل را عامل جنگ و خشونت دانسته و آن را بزرگ‌ترین عامل ناپایداری منطقه عنوان نمود (خاتمی، ۱۳۷۷/۲/۲۵: ۲۸).

مخالفت جمهوری اسلامی ایران با طرح‌های سازش و به رسمیت شناختن اسرائیل نیز در این دوره تداوم یافت:

سید محمد خاتمی در مصاحبه با خبرنگار میدل ایست این ساید گفت: «هر انسان عاقلی خواستار صلح است، اما صلح واقعی صلحی عادلانه و شرافتمندانه است. ما چون روند صلح را عادلانه نمی‌بینیم با

آن مخالفیم. جمهوری اسلامی ایران امیدوار است دولت مستقل فلسطین با پایتختی بیت المقدس تشکیل شود» (فریدونی و شهبازی، ۱۳۹۱: ۱۱۶).

یکی از بهترین و موثرترین راه‌ها برای نمایاندن حمایت جمهوری اسلامی ایران از فلسطین، در چارچوب سازمان کنفرانس اسلامی و سایر نهادهای اسلامی منطقه‌ای است. در سال ۲۰۰۰، کمال خرازی اعلام کرده بود که ایران در جایگاه ریاست سازمان کنفرانس اسلامی می‌کوشد تا جبهه مشترک اسلامی علیه اسرائیل تشکیل دهد و دولت یهودی را مجبور به عقب نشینی از مواضع خشونت‌بار و توقف حملات نظامی علیه مردم فلسطین نماید. آقای خاتمی، رئیس‌جمهوری پیشین ایران در اوت ۲۰۰۱ بیان داشت که تمام کشورهای مسلمان باید از انتفاضه، حمایت کرده، و جبهه واحد ضد اسرائیلی به وجود آورند (لطیفیان، ۱۳۸۶: ۲۸۷).

خاتمی در خصوص حمایت مردم ایران اسلامی از فلسطین اظهار می‌دارد: «اگر ملت ما می‌گوید که فلسطین باید آزاد شود و ملت فلسطین به حقوق حقه خویش دست یابد، باید در مقابل توسعه طلبی‌ها و جنایت‌های اسرائیل بایستد، چون عدالت طلب است و تا زمانی که در صحنه بین‌المللی بی‌عدالتی باشد، انسان‌ها روی خوش نخواهند دید» (تیموری، ۱۳۸۹: ۲۹).

به طور کلی در این دوره ایران درصدد بود که از میزان تنش‌ها بین ملت‌ها کاسته شود و صلح و عدالت بین مردم حاکم شود و سیاستی که گفتمان حاکم بر جمهوری اسلامی در قبال فلسطین در پیش گرفت، بر اساس همین اصل بود.

ث. فلسطین و گفتمان اصول‌گرایی

گفتمان اصول‌گرایی عدالت محور، گفتمانی است که بر سیاست خارجی دولت نهم و دهم حاکم شد. این گفتمان حول محور عدالت‌طلبی در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل سامان می‌یابد. اولویت بخشیدن به اهداف فراملی و به چالش کشیدن نظم مستقر در نظام بین‌الملل موجود از مهم‌ترین ویژگی‌های اصول‌گرایی عدالت محور است. در این گفتمان، اصول‌گرایی مکتبی و اسلام‌گرایی جایگزین ملت‌گرایی می‌شود. عنصر هویت‌سازی که خود و دیگر را تعریف می‌کند، دین اسلام و انقلاب اسلامی است. نقطه کانونی و مرکز ثقل هویت ملی، اسلامیت و انقلاب اسلامی است. ارزش‌ها، اصول و آرمان‌های ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی، عدالت‌گستری و مبارزه با استکبار و نظام سلطه، بیشترین نقش را

در تکوین هویت ملی ایران ایفا می‌کنند. بر این اساس، در این گفتمان، ارزش و عنصر کانونی هویت بخشی به جمهوری اسلامی ایران عدالت است. گفتمان حاکم، نقش‌های ملی خاص را تعریف و تعیین می‌کند از جمله: دولت عدالت‌گستر و ظلم‌ستیز، عامل ضد صهیونیسم و ضد امپریالیسم حامی جنبش‌های آزادی‌بخش، حامی مستضعفان ... این دوره با روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد در سال ۱۳۸۴ آغاز شد و می‌توان آن را ترکیبی از دو دوره پیشین دانست. به این ترتیب که با تمرکز مجدد بر آرمان آزادی فلسطین به صراحت از ضرورت محو رژیم اسرائیل از نقشه جهان سخن گفته شد. احمدی‌نژاد به طور مکرر به ضرورت حذف رژیم اسرائیل اشاره کرد و اسرائیل ستیزی جمهوری اسلامی ایران را مورد تأکید قرارداد (فریدونی و شهبازی، ۱۳۹۱: ۱۲۵).

گفتمان اصول‌گرایی احمدی‌نژاد که بر عدالت‌گستری و استکبارستیزی متمرکز است و بیان‌گر بازگشت به گفتمان آرمان‌گرایی اوایل دهه ۱۳۶۰ است. متعاقب این گفتمان، حمایت از مظلومان و مسلمانان به‌ویژه مردم فلسطین و تقابل با ظلم و استکبار کشورهای آمریکا و اسرائیل برجسته می‌شود. (فریدونی و شهبازی، ۱۳۹۱: ۱۲۶). جناح موسوم به اصول‌گرا، ارزشی و محافظه‌کار، در شعار و گفتار، اولویت بیشتری برای مسائل خارجی قائل شده است و بر ضرورت حمایت همه‌جانبه از آرمان فلسطین و ضدیت با آمریکا پای می‌فشارد. (حشمت‌زاده، ۱۳۸۶: ۷۲).

احمدی‌نژاد در دیدار با رمضان عبدالله - دبیر کل جنبش جهاد اسلامی فلسطین - حمایت از مقاومت ملت فلسطین را وظیفه ضروری همه کشورهای اسلامی مطرح کرد و گفت: «سیاست راهبردی و همیشگی جمهوری اسلامی ایران حمایت از مقاومت در عرصه‌های مختلف است. حمایت از مقاومت ملت فلسطین وظیفه ضروری همه کشورهای اسلامی است.» (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۸/۲/۱۵: ۳۳).

احمدی‌نژاد در جمع اعضای دبیرخانه کنگره بین‌المللی حمایت از انقلاب اسلامی فلسطین اعلام کرد: «یکی از مهمترین مسائل، فلسفه تشکیل رژیم اسرائیل است که نباید به هیچ وجه از آن غفلت کرد، زیرا استکبار جهانی از این طریق درصدد تسلط بر جهان اسلام است. مسأله فلسطین و حمایت از مردم مظلوم آن همواره باید زنده بماند» (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۴۹).

رئیس‌جمهور در گفت‌وگوی تلفنی با رمضان عبدالله - دبیر کل جنبش جهاد اسلامی فلسطین - و ضمن تبریک پیروزی مقاومت و ملت فلسطین بر رژیم اسرائیل و حامیان جهانی آن اعلام کرد:

« با هدایت رهبری هوشمند و شجاع انقلاب اسلامی، دولت و ملت بزرگ ایران تا آخر در کنار مقاومت و مردم فلسطین خواهد ایستاد (احمدی‌نژاد، ۲۹/۱۰/۱۳۸۷: ۲۵۱).

احمدی‌نژاد در گفت‌وگوی تلفنی با ملک عبدالله - پادشاه عربستان - و ضمن تأکید بر ضرورت حمایت از مردم و گروه‌های فلسطینی اعلام کرد: «صهیونیست‌ها هیچ مانعی در مقابل وحشیگری‌های خود نمی‌بینند. کشورهای اسلامی و سازمان کنفرانس اسلامی باید به سرعت و با اتخاذ تدابیر و راهکارهای لازم، به‌ویژه محکوم کردن جنایات و تحت فشار قرار دادن رژیم اسرائیل در مجامع بین‌المللی، از ادامه کشتار زنان، کودکان و جوانان فلسطینی جلوگیری کنند. (احمدی‌نژاد، ۱۹/۸/۸۵: ۳۲۹)

رئیس‌جمهور احمدی‌نژاد در مصاحبه با واحد مرکزی خبر و با اشاره به اهمیت برگزاری روز جهانی قدس به‌عنوان یکی از راهکارهای حمایت از گروه‌های فلسطینی اعلام کرد: «تظاهرات روز قدس در واقع یک نوع اعلام آمادگی، پشتیبانی و روحیه دادن به ملت فلسطین است» (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۳۹).

یکی دیگر از مسائلی را که بیشتر مورد توجه است اختلافات داخلی میان گروه‌های فلسطینی است که همواره یکی از معضلات مردم فلسطین در تمرکز بخشیدن به قوای خود در برابر رژیم اسرائیل بوده است (علایی، ۱۳۹۰: ۷). احمدی‌نژاد در دمشق و در دیدار رهبران جنبش‌های مبارز فلسطینی اعلام کرد: «یگانه راه تحقق آرمان آزادی سرزمین فلسطین وحدت، هماهنگی و همدلی گروه‌های فلسطینی است. جمهوری اسلامی ایران از آرمان ملت فلسطین که همانا آزادی سرزمین‌های مقدس اسلامی از چنگ اشغالگران است حمایت می‌کند.» (احمدی‌نژاد، ۳۰/۱۰/۱۳۸۴: ۶۶).

احمدی‌نژاد در نشست جهان بدون صهیونیسم و با اشاره به شیطنت‌های آمریکا و رژیم اسرائیل برای ایجاد اختلاف و درگیری میان گروه‌های مبارز و دنیای اسلام بیان کرد: «آن‌ها در تلاش‌اند گروه‌های مبارز فلسطینی را به جان یکدیگر اندازند و به بهانه تشکیل دولت فلسطینی، جمعی از کشورهای اسلامی، این رژیم فاسد را به رسمیت بشناسند. امیدوارم ملت فلسطین و گروه‌های فلسطینی مراقب فتنه‌های دشمن باشند» (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۴۲).

احمدی‌نژاد در دیدار رمضان عبدالله، دبیر کل جنبش جهاد اسلامی فلسطین، و ضمن تأکید بر وحدت گروه‌های فلسطینی و صبر و تحمل در مقابل فشارها برای دستیابی به پیروزی اعلام کرد:

« لازم است ملت فلسطین و گروه‌های مقاومت و جهادی به تقویت وحدت و همدلی میان خود بپردازند. جمهوری اسلامی ایران در حمایت از ملت فلسطین از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند و آن را تکلیف خود می‌داند. » (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۶/۴/۲۸: ۴۷۷).

رئیس‌جمهور در مصاحبه با مجله تایم و با اشاره به شعار محو اسرائیل، اعلام کرد که پیشنهاد ایران برای حل مسأله فلسطین همه‌پرسی است: «پیشنهاد ما این است که پنج میلیون آواره فلسطینی به خانه‌هایشان برگردند، سپس کل مردم آن سرزمین با همه پرسی، سیستم دولتی خود را انتخاب کنند. این روشی دموکراتیک و مردمی است.» (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۵/۶/۲۷: ۲۸۷)

محمود احمدی‌نژاد در شصت و یکمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک در خصوص اسرائیل و فلسطین گفت که آن قدر بهانه تأسیس رژیم اشغالگر قدس سست است که مدعیان اجازه نمی‌دهند کسی درباره آن سخن بگوید. (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۵/۶/۲۹: ۲۷۹).

پس نتیجه اینکه دولت محمود احمدی‌نژاد با توجه به سیاست خارجی را که در پیش گرفته بود یعنی عدالت محوری و مبارزه با استکبار، سیاست حمایت‌گری گسترده خود از گروه‌های فلسطینی به عمل آورد. حمایت‌های گسترده از مبارزان فلسطینی سبب تحرک تازه گروه‌های اسلامی فلسطینی در مبارزه با رژیم اسرائیل گردید و منجر به پیروزی‌های تازه همچون جنگ ۲۲ روزه شد.

نتیجه‌گیری

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ منشأ تحولات عظیمی در منطقه و جهان گردید، این رویداد تأثیرات زیادی در بیداری مسلمانان جهان و احیای باورهای دینی داشت. یکی از دست‌آوردهای انقلاب در منطقه و جهان، صدور انقلاب اسلامی است که در آن، جمهوری اسلامی ایران در چارچوب اصل دعوت، صدور انقلاب را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده است و حتی صدور انقلاب به‌عنوان یک اصل و هدف در سیاست خارجی درآمده است. روش صدور انقلاب در این دو گفتمان به دو صورت متفاوت است، گفتمان اصلاحات بر توسعه سیاسی توجه و تأکید دارد ولی تأکید اصلی گفتمان اصول‌گرایی بر عدالت جهانی است و با توجه به الگوهای صدور انقلاب میزان و نوع حمایت از گروه‌های جهادی فلسطین نیز متفاوت است. با توجه به مطالعاتی که در خصوص تأثیر انقلاب اسلامی بر گروه‌های

_____ تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر روند فعالیت گروه‌های جهادی در فلسطین... ◇

جهادی فلسطین در دو گفتمان اصلاحات و اصول‌گرا صورت گرفت، نتیجه این‌گونه حاصل شد که گروه‌های جهادی در هر دو گفتمان مورد توجه ایران اسلامی بوده است، ولی با توجه به شیوه‌ای که این دو گفتمان در پیش گرفته بودند، میزان و روش حمایت و تأثیرگذاری متفاوت بود.

منابع فارسی

- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۹)، *چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر قومس.
- اشرافی، مرتضی (۱۳۹۰)، *تحول گفتمان توسعه در جمهوری اسلامی ایران*، قم: بدون ناشر.
- تاجیک، محمدرضا و جلال دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۲)، «الگوهای صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاست خارجی ایران»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۲۷.
- تیموری، مسلم (۱۳۸۹)، «حمایت از فلسطین دکترین جمهوری اسلامی»، *هفته‌نامه پنجره*، شماره ۵۸.
- جمالی پور، هدایت‌الله (۱۳۹۱)، «بررسی روندهای تداوم و تغییر در سیاست خارجی ایران در دوران ریاست جمهوری خاتمی و احمدی نژاد»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، دوره ۴، شماره ۱۶، تابستان، صص ۱۱۴-۱۰۱.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶)، *انقلاب اسلامی ایران*، قم: دفتر نشر معارف.
- حشمت زاده، محمدباقر (۱۳۸۶)، *ایران و فلسطین: جهت و ابعاد تعامل*، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- خسروشاهی، سیده‌هادی (۱۳۹۲)، *حرکت‌های اسلامی معاصر*، قم: بوستان کتاب.
- خلیلی، محسن و سمیه حمیدی (۱۳۹۰)، «تحلیل گفتمان مفهوم صدور انقلاب از منظر خبرگان قانون اساسی»، *فصلنامه رهیافت‌های علوم سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۲۷، ۱۱۸-۸۱.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۳)، *فلسطین از دیدگاه امام خمینی (ره)*، تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵)، *صحیفه امام*، جلد ۲۱، تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۹۱)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: سمت.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال و فیروزه رادفر (۱۳۸۹)، *الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و فیروزه رادفر (۱۳۸۸)، «الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی دولت

_____ تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر روند فعالیت گروه‌های جهادی در فلسطین ... ◇

- نهم»، *فصلنامه دانش سیاسی*، شماره ۱۰، زمستان، صص ۱۵۰-۱۲۳.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و فیروزه رادفر (۱۳۸۸)، «تحول الگوی صدور انقلاب»، *فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی*، شماره ۱۱.
- دهقانی، سید جلال (۱۳۸۶)، «گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد»، *دو فصلنامه دانش سیاسی*، شماره ۵.
- عبدلی، حسین (۱۳۹۰)، اسرائیل؛ کانون ناامنی، مواضع ضد اسرائیل رئیس‌جمهوری اسلامی ایران دکتر محمود احمدی‌نژاد (جلد اول)، تهران: انتشارات مضراب.
- عبدلی، حسین (۱۳۹۰)، *اسرائیل؛ کانون ناامنی، مواضع ضد اسرائیل رئیس‌جمهوری اسلامی ایران دکتر محمود احمدی‌نژاد*، دو جلد، جلد دوم، تهران: انتشارات مضراب.
- فریدونی، احمد و نسیمه شهبازی (۱۳۹۱)، «رویکردهای معنایی در روابط بین‌الملل و تأثیر آنها در تحلیل سیاست خارجی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۵۷.
- لطیفیان، سعیده (۱۳۸۶)، *مسأله فلسطین؛ منافع و امنیت ملی ایران (مجموعه مقالات فلسطین با نگاه ایرانی)*، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- متقی، ابراهیم و زهره پوستین‌چی (۱۳۹۰)، *الگو و روند در سیاست خارجی ایران*، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- نوازی، بهرام (۱۳۸۸)، *صدور انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدهای بین‌المللی آن*، تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
- یزدانی، عنایت‌الله و جمیل خجسته (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی*، شماره ۳.

